



«فیک» چیست؟ کمک به اندیشه ورزی کودک یا میدان سردرگمی

فیک قصد دارد کودکی را پرورش دهد که عادت داشته باشد به فکر کردن، به نگاه کردن، و از کنار مسائل به راحتی عبور نکند.

فیک قصد دارد کودکی را پرورش دهد که عادت داشته باشد به فکر کردن، به نگاه کردن، و از کنار مسائل به راحتی عبور نکند.

به گزارش خبرنگار مهر، «فیک» یا همان فلسفه برای کودکان نام طرح درسی که سال های اخیر در میان محافل تربیتی ویژه کودکان و نوجوانان مطرح شده است و کمک می کند تا پرسشگر کودک به سمت تفکر در مسائل مهم انسانی متمرکز شود. فیک در حقیقت به دنبال این است تا مسیر رسیدن به پاسخ را روشن کرده و در دنیای کودکان مفاهیم فلسفی را به زبان کودکان نزدیک کند. محمد خیاط زنجانی دکترای الهیات و حکمت اسلامی و تعلیم و تربیت اسلامی و مدیر کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان استان کرمانشاه در سلسله صحبت هایی به برخی پرسش های مطرح شده درباره فیک و چگونگی کارکرد آن برای کودک پاسخ داده است. در اولین گام او به این سوال پاسخ می دهد که آیا برنامه فلسفه برای کودک و نوجوان موجب شک در ذهن کودک نمی شود و سبب سردرگمی تفکری و اندیش های در او نمی شود؟

وی در اینباره توضیح می دهد: اول اینکه باید جایگاه «شک» را درست درک کنیم. وقتی شک را نسبت می دهیم به یک فرایند یا برنامه، باید ببینیم که خود شک چه جایگاهی دارد: آیا شک، فرایندی نامطلوب در تربیت است؟ جمله ای از استاد مطهری نقل می کنم که می فرمودند: «شک، کاروانسرای خوبی است؛ اما منزل سرای خوبی نیست.» یعنی جایی است که اگر کودک، نوجوان و در واقع هر انسانی لحظه هایی در دنیای شک و تردید زندگی کرد، مشکلی نیست؛ مشروط بر اینکه آن جا منزل نکند، بلکه آن را محل عبوری برای رسیدن به حقیقت بدانند، این، خوب است.

پس اگر بتوانیم شک را در ذهن کودک ایجاد کنیم، تردید نسبت به مسائل پیرامونش به وجود آوریم، سوال را در وجودش زنده کنیم، و همزمان موفق شویم این شک را در یک فرایند صحیح درک حقیقت قرار دهیم، چه بهتر!

در واقع، فیلسوفان بزرگ جهان نیز از همین مسیر گذر کرده اند. شخصیتی مانند دکارت را در میان فیلسوفان غرب در نظر بگیرید: همین شک گری او، وی را به حقیقت رساند. همان جمله مشهورش «من شک می کنم، پس هستم» پایه ای شد برای درک وجود عالم. پس شک، کاروانسرای است که می تواند کودک و نوجوان ما را در مسیر درک حقیقت قرار دهد؛ عاملی انگیزشی، عامل حرکت و جست وجو، عامل پرسش گری و کاوشگری؛ و همه این ها نیاز تربیت فکری هر انسانی است.

نکته دوم اینکه چرا فکر می کنیم برنامه فلسفه برای کودک و نوجوان هدفش قرار دادن مفاهیمی پر از تردید، شک و اشکال در ذهن کودک است؟ در این برنامه، بیش از آنکه دنبال «محتوا» باشیم، دنبال «روش» هستیم.

قصد داریم کودکی را پرورش دهیم که عادت داشته باشد به فکر کردن، به نگاه کردن، و از کنار مسائل به راحتی عبور نکند. این همان هدفی است که در برنامه فلسفه کودک و نوجوان دنبال می کنیم؛ هدفی که در سیره تربیتی صحیح اسلامی نیز دیده می شود.

همان طور که دعوت به تفکر، دعوت به تعقل و دعوت به تدبّر در امور، از آموزه های پربسامد در نصوص و متون دینی ما است. بنابراین، باید به این نکته نیز توجه کنیم.

نکته سوم اینکه وقتی صحبت از «فلسفه اسلامی برای کودک و نوجوان» می شود، هدفمان این است که از آموزه هایی بهره ببریم که پاسخی بوده اند به شک ها، شبهات و سوالات ذهن بشر. حکماً و فیلسوفان بزرگ تاریخ اسلام نیز با همین شبهات روبرو شدند و با مبانی عقلانی و مسیر صحیح تعقل، به ما آموختند که چگونه با مسائل برخورد کنیم. پس اگر ما بخشی از آموزه های غنی تفکر اسلامی که در حکمت اسلامی دیده می شود را از طریق روش های جذاب و متناسب با سن کودک و نوجوان، مثلاً از طریق داستان، بازی، تئاتر، اردو، بازدید و مواجهه با طبیعت و نظام هستی، به او منتقل کنیم، در واقع داریم به او «اصول» را می آموزیم؛ داریم پاسخ هایی را در اختیارش می گذاریم که یا امروز یا فردا، هنگام مواجهه با شک ها و سوالات، بتواند از آن ها به عنوان راه های برون رفت از تردید استفاده کند.

بنابراین، نه تنها برنامه فلسفه برای کودک و نوجوان به ویژه با رویکرد اسلامی سبب شک، تردید یا آشفتگی ذهنی نمی شود،

بلکه با ایجاد یک نظام صحیح تفکر و فراهم کردن اصولِ درکِ جهان، در فرایندی کوتاه مدت و بلندمدت، کودک را برای روبه رو شدن با هرگونه شک، شبهه یا اشکال، آماده می کند.